

یک قطعه شعر برای هم رزم و هم اندیشه ام شریفه محمدی که مظهر شرافت زنان مبارز ایران است

ژینا سنندجی

زندانی و کنشگر سیاسی

آنجا که شریف ترین انسان ها را

به جرم شرافت

و بلور انسانیت را

به جرم شفافیت

و زنان شیردل را

به جرم شریفه نعره زنان

و افشاگران قدرت را

به جرم فتنه گران

به مرگ می سپارند

ایران است

این سرای بی کسی

و خاک گل های پریشان شده

بی آبی

آنجا که یادگاران مردم

گل های ماندگار شوند

آنجا که شراره امید

آتشفشان البرز شود

آنجا که آتش بان آتش فشان شریفه

آنجا که رهروان طریقت عشق

نماز و رکوع و سجده را نهی کنند

و نماز را باران

رکوع را سرود

و مبارزه و نافرمانی را سجده خوانند

آنجا ایران است

و راوی ایران وریشه؛ بخشان و شریفه اند

آنجا ایران است

یاددار که بردیوارهای زندان نبشته بود

درد رنج و مزد زحمت چون ترانه

همچو باران در شب تیره بشوید زخم را

شریفه به جان شریف سوگند

که میراث ترا

چون لاله های گل

در بستان رزم رنجبران

و استغاثه مادران خاوران

پاس می داریم

ژینا سندیجی

۲۸ مردادماه ۱۴۰۴